

تأملی بر رویدادهای اخیر کشور

اعلام شده است که حجم تخلفات و اختلاس در دوره مسئولیت احمدی نژاد در شهرداری تهران، بیش از مجموع تخلف های اثبات شده و نشده سه شهردار قبلی (کرباسچی، ملک مدنی و الویری) بوده است. در کنار واکنش شدید عده ای از نمایندگان مجلس ارتجاع، از جمله عماد افروغ به سخنان مسعود زری بافان، همکار نزدیک احمدی نژاد و عضو همزمان شورای شهر و دبیر هیئت دولت، مبنی بر اینکه: «این قبیل مصاحبه ها (مصاحبه زری بافان) زینبده نظام

نظری به سیر حوادث در میهن ما، نشانگر ادامه درگیری ها و بحران در درون و پیرامون حاکمیت رژیم ولایت فقیه است. یکی از مهم ترین رخداد های هفته های گذشته، افزایش حملات به احمدی نژاد و بخش هایی از جناح ارتجاع بود که از او و برنامه های خطرناک اش حمایت می کنند. بخشی از جناح ارتجاع به دلایل احساس خطری که از ناحیه عملکرد تنش زا و بحران آفرین، احمدی نژاد و مدافعان او نسبت به موقعیت سیاسی و توانایی اقتصادیشان می کنند، حملات تبلیغاتی هدفمند و حساب شده ای را سازمان داده اند. انتشار بخشی از گزارش شورای شهر تهران به دفتر خامنه ای که در آن

ادامه در صفحه ۲



شماره ۷۲۴، دوره هشتم
سال بیستم، ۳ آبان ماه ۱۳۸۴

سندیکا یا نهادهای جایگزین در صفحه ۴

زندگی دهقانان در

سراشیب سقوط

برخی گزارش های رسانه های همگانی در ماه های اخیر حکایت از رشد بحران تولید کشاورزی و تشدید وخامت زندگی دهقانان ایران دارد. در تاریخ ۱۶ مهر ماه امسال، خبرگزاری ایسنا در گزارشی تحت عنوان کالبد شکافی فقر ساختاری و شکاف اجتماعی از قول یکی از پژوهشگران اجتماعی تاکید کرد: «گروه های زیرخط فقر کشور در حال گسترش است، طبقات فرادست و ثروتمند بیش از گروه های فقیر از منابع بهره مند می شوند، بیکاری یکی از عوامل فقیر شدن است که این عامل (بیکاری) در شهر ۸ درصد و در روستاها ۱۱ درصد، ریسک فقیر شدن را افزایش می دهد» وی در مورد روستاهای کشور و اصولاً دهقانان اشاره می کند: «شکاف بین روستا و شهر افزایش پیدا کرده و نابرابری های منطقه ای کاملاً بر وضعیت فقر اثر می گذارد، در روستاهای استان های شرقی، دهقانان ۲۵ درصد، ضریب ریسک فقر بیش از سایر مناطق دارند یعنی صرف اینکه فردی در یکی از روستاهای شرقی به دنیا

ادامه در صفحه ۳

آغاز پاکسازی گسترده مخالفان

و ضرورت مقابله گسترده اجتماعی با یورش ارتجاع

آینده میهن را دارند. در میان مجموعه نسبتاً زیاد خبری که حکایت از روند ذکر شده در بالا دارد گزارش صحبت های رئیس جدید دانشگاه اصفهان به وضوح از برنامه ها و طرز تفکر نیروهای ارتجاعی پرده بر می دارد. به گزارش پایگاه خبری «امروز» دکتر رامشت، رئیس دانشگاه اصفهان در ضیافت افطاری با کار آفرینان دانشگاه تاکید کرد: «چه کسی گفته ما جناحی عمل نمی کنیم؟ آیا کسی گفته ما نباید جناحی عمل کنیم؟ ما نمی توانیم جناحی عمل نکنیم، مگر می شود؟ ما شش سال سختی کشیده ایم و تشکیلات زیرزمینی درست کرده ایم و آدم ها را با هم متحد کرده ایم، رای گرفته ایم از مردم!! و حالا می خواهیم حکومت کنیم. ما تعیین می کنیم که چه کسی باشد و چه کسی برود. ما اجازه می دهیم کسانی که همفکر ما نیستند و در جناح ما نیستند برای خودشان فعالیت کنند. ولی نمی گذاریم مدیر زیر مجموعه ما کسی به جز همفکران خودمان باشد در عملکرد تشکیلاتی مورد علاقه ما حتی معاونین دانشگاه را تشکیلات انتخاب نموده است و سهم کسانی که زحمت کشیده اند را ادا نموده است.» وی در پایان همچنین افزود: «بر اساس یک نظریه آمریکایی که یکی از مشاوران کاخ سفید داده است اگر ۲۵ درصد مردم طرفدار شما باشند ۵۰ درصد هم به صورت اتوماتیک هواداری می کنند، ۱۰ الی ۱۲ درصد را می توان خرید همچنین ۱۰ الی ۱۲

ادامه در صفحه ۶

«شش سال سختی کشیده ایم و تشکیلات زیر زمینی درست کرده ایم... حالا می خواهیم حکومت کنیم. ما تعیین می کنیم که چه کسی باشد و چه کسی برود.»

بیش از سه ماه از روی کار آمدن دولت احمدی نژاد، رئیس جمهور گروه های ارتجاعی تند رو، می گذرد. مجموعه حوادث و سیاست های اتخاذ شده از سوی دولت جدید در ماه های گذشته نمی تواند نگرانی های جدی همه نیروهای ملی و آزادی خواه کشور را بر نیانگیزد. نیروهای مترقی و از جمله حزب توده ایران در جریان ارزیابی حوادث کشور، از انتخابات مجلس هفتم به بعد همواره بر این نکته تأکید داشته اند که کارزار وسیعی برای تشدید انحصار و یکدست کردن حاکمیت جمهوری اسلامی به نفع نیروهای افراطی ارتجاع آغاز شده است که می تواند عواقب خطرناکی را برای آینده کشور به همراه داشته باشد. با خوابیدن گرد و غبار های هیاهوی تبلیغاتی و روشن شدن بیش از پیش دروغ بودن شعارهای پوپولیستی احمدی نژاد که برای فریب توده ها در جریان انتخابات مطرح می شدند مردم ما خیلی زود با سیمای واقعی انحصار گرایان تندرو که هدفی جز استقرار حکومتی از نوع حکومت طالبان در ایران ندارند روبه رو شده اند. تشدید فشار بر مخالفان سیاسی و پاکسازی های گسترده در ادارات و وزارت خانه در کنار یورش سازمان یافته به دانشگاه ها و دانشگاهیان کشور، در کنار سیاست های بیش از پیش ماجراجویانه در عرصه بین المللی زنگ خطری جدی برای همه نیروهای ملی است که دلمشغولی

با هم به سوی تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری

برای آزادی، صلح، استقلال، عدالت اجتماعی و طرد رژیم «ولایت فقیه»!

ادامه تأملی بر رویدادهای اخیر...

جمهوری اسلامی نیست... این حرفها بیشتر اسباب مضحکه و خنده است و تصور می‌کنم باعث خنده خود دوستان هم خواهد شد. « نشانگر رشد تنش‌هایی است که به آن اشاره رفت. به علاوه، محمد نبی حبیبی دبیرکل جریان واپس مانده و ضد مردمی موتلفه طی گفتگویی با رسانه‌های همگانی به انتقاد از دولت جدید پرداخت و در خصوص کشمکش بر سر دعوت از شهردار تهران برای حضور در جلسات هیئت وزیران تاکید کرد: «حضور قالیباف در جلسات دولت و تعیین سخنگوی دولت ضروری است.» و اما مسأله شکاف و تنش‌های ایجاد شده را به شکل روشن‌تری در مصاحبه

مصباحی مقدم، سخنگوی جامعه روحانیت مبارز، با ایسنا، به تاریخ ۲۳ مهرماه می‌توان ملاحظه کرد. وی در این مصاحبه از جمله می‌گوید: «علیرغم نظر شورای هماهنگی نیروهای انقلاب اسلامی مبنی بر حمایت از کاندیداتوری لاریجانی، از آن نظر اجماعی تمکین نشد، این اقدام به منزله دور زدن شورای هماهنگی بود.» این انتقاد مستقیماً حامیان احمدی‌نژاد را هدف قرار می‌دهد.

انتشار این حملات در کنار انعکاس سخنان کوهکن عضو هیئت رئیسه مجلس هفتم مبنی بر اینکه «حضور قالیباف به عنوان شهردار پایتخت در جلسات دولت لازم اما حاضر شدن چمران بی‌معنا به نظر می‌رسد» و طرح این پیشنهاد که: «حضور رئیس اتاق بازرگانی و رئیس اتاق صنایع در جلسات وزیران می‌تواند مفید واقع شود»، ضمن آنکه با ظرافت دولت و رئیس جمهوری را ضعیف و ناتوان جلوه می‌دهد، پیام روشن و صریح به احمدی‌نژاد و این بخش طیف ارتجاع قلمداد می‌گردد. به همه اینها باید نام علی‌زادسر به احمدی‌نژاد را که در رسانه‌های عمومی بازتاب گسترده‌تری داشت افزود تا ژرفای تنش‌ها آشکار گردد. زادسر در نامه خود به احمدی‌نژاد صراحتاً از وی دعوت می‌کند به پرسش‌های مطرح در جامعه مانند: «احمدی‌نژاد از آیت‌الله مصباح یزدی دستور می‌گیرد، احمدی‌نژاد انجمن حجتیه می‌باشد، احمدی‌نژاد خود را منتخب امام زمان می‌داند...» و چند پرسش دیگر در همین خصوص، با صراحت و بدون ابهام پاسخ دهد.

به دنبال این مسایل، پایگاه خبری فردا، در روز ۲۲ مهرماه گزارشی داد منابع نزدیک به «شورای هماهنگی نیروهای انقلاب اسلامی» از عزم جدی این تشکل سیاسی برای تاسیس جبهه‌ای فراگیر در سراسر کشور خبر می‌دهند. این پایگاه خبری سپس از قول یک عضو شورای هماهنگی بدون ذکر نام وی نوشت: «در دوره جدید، همگرایی و وحدت اصول‌گرایان لازمه موفقیت این جریان است و به رغم اختلافاتی که در جریان انتخابات میان اصول‌گرایان پیش آمده بود، هم‌اکنون فرصت مناسبی برای تاسیس جبهه فراگیر سیاسی اصول‌گرایان در سراسر کشور است.»

در چنین اوضاعی به نظر می‌رسد که دامن زدن به جو بحرانی در جامعه و ایجاد تنش در روابط داخلی و خارجی با هدف نظامی کردن حیات سیاسی و فرهنگی کشور از زمره برنامه‌های احمدی‌نژاد و باندهای هوادار او برای خنثی کردن فشارهای وارده است. جو ساختگی و پوشالی ضد انگلیسی به ویژه پس از حوادث تروریستی در شهر اهواز که طی آن رئیس جمهوری ارتجاع در جلسه هیئت دولت اعلام داشت «ما به نیروهای انگلیسی در ارتکاب اقدامات تروریستی به شدت مشکوک هستیم.» و یا سخنان پاسدار حجازی فرمانده بسیج که گفت «صدای انفجار اهواز لهجه انگلیسی دارد.» را باید در چنین چارچوب‌هایی ارزیابی کرد.

از دیگر سو، همراه با حوادث و رویدادهای مورد اشاره، رفسنجانی و بخش‌ها هوادار او، به مجموعه اقدام‌های خود برای ایجاد توازن

در تغییر توازن قوا، در حاکمیت بسود رقبای تازه به کرسی قدرت نشسته، شتاب بخشیدند. به گزارش روزنامه شرق به تاریخ ۲۶ مهرماه محسن رضایی دبیر مجمع تشخیص مصلحت نظام که پایگاه تبلیغاتی وابسته به او یعنی سایت بازتاب در حالت توقیف موقت قرار دارد!!! در یک کنفرانس مطبوعاتی اعلام داشت: «اعضای کمیسیون نظارت مجمع مصلحت نظام تعیین شدند و از هفته دیگر کار خود را آغاز خواهند کرد.» وی تصریح کرد: «اعضای تعیین شده، وظیفه نظارت بر قوای سه‌گانه کشور و دیگر دستگاه‌ها از جمله نیروهای مسلح و صدا و سیما را بر عهده خواهند داشت.» ترکیب این اعضای تعیین شده خود گواه آرایش سیاسی است که در حال شکل گرفتن است. مرتضی‌نوی، بیژن نامدار زنگنه، مصطفی میر سلیم، محمدهاشمی و مجید انصاری از زمره این افراد هستند که وابستگی جناحی هر کدام کاملاً مشخص است.

رضایی همچنین تاکید کرد: «ما در واقع بازوی اجرایی مقام رهبری هستیم.»

این اقدام به نوبه خود بر دامنه کشمکش و درگیری‌ها در درون و پیرامون جناح افزوده و بی‌شک در آینده تنش‌های بیشتری را به همراه خواهد آورد. در این رابطه اکبر اعلمی نماینده تبریز در مجلس از فراکسیون اصلاح طلبان حکومتی خاطر نشان ساخت که نقش تازه مجمع جمهوریت نظام را خدشه دار ساخته است. خبر نامه داخلی جبهه مشارکت نیز به تحلیل این اقدام پرداخته و با نظری انتقادی به آن برخورد کرده است. به نظر می‌رسد که آودرگاه بعدی جناح‌های رژیم در تقابل با یکدیگر و تلاش در راه تثبیت موقعیت خویش انتخابات پیش روی مجلس ارتجاعی خبرگان رهبری است. در زمینه از هم اکنون، جریان‌ها و جناح‌های حکومتی در تدارک برای این انتخابات هستند. طرح انصاری برای تغییر شرایط شرکت در این انتخابات را در همین خصوص است. وی هدف از ارایه طرح خود را تلاش برای حضور همگان در انتخابات خبرگان ذکر کرده و خاطر نشان ساخته باید شرایط حضور افرادی مانند کربوبی و خاتمی فراهم شود. پیش از انتشار این طرح برخی سایت‌های وابسته به جناح‌های مختلف رژیم در گزارش‌هایی از ضرورت اصلاح ساز و کارهای تایید نامزدهای انتخابات خبرگان شده بودند، از جمله در تاریخ ۲۵ مهرماه، سایت فردا در مطلبی نوشت: «اصلاح ساز و کار تایید خبرگان رهبری، گامی به سوی دمکراتیزه تر شدن نظام است.» در همین مقاله اشاره می‌گردد: «ساختار کنونی جمهوریت در ایران و قانون اساسی موجود، حد نهایی دمکراتیک شدن نظام دینی نیست تکامل تدریجی نهادهای سیاسی و اجتماعی موجود در راستای تعمیق دمکراسی دینی در ایران ضرورتی مهم و اساسی است..... در وضعیت کنونی بدون دست زدن به قانون اساسی و صرفاً با تصحیح برخی روش‌ها و سازوکارها امکان دمکراتیک کردن نظام اسلامی وجود دارد.»

در همین رابطه جبهه مشارکت نیز بنابه گزارش رسانه‌ها در تدارک برای انتخابات خبرگان است و بعنوان اولین گام کمیته‌ای را به نام کمیته دائمی انتخابات جبهه مشارکت ایجاد نموده که صفدر حسینی از وزیران دولت خاتمی رئیس کمیته مذکور برگزیده شده و اکنون در حال بررسی برای حضور در انتخابات خبرگان و شوراهای محلی است.

در بررسی رویدادهای هفته‌های اخیر کشور و توجه به درگیری‌های جناحی در درون و پیرامون حاکمیت، همچنین مهم است به این نکته نیز توجه شود که جنبش مردمی و دموکراتیک کشور نیز از خود تحرک نشان می‌دهد. گزارش پایگاه‌های خبری مختلف، ساعت دوازده روز بیست و پنج مهرماه امسال به مناسبت روز جهانی فقر، یک گردهمایی با حضور تعدادی از فعالان جنبش زنان در میدان انقلاب تهران برگزار شد. بیش از ۲۰۰ زن مبارز در این اقدام شجاعانه ضمن اعلام همبستگی خود با حرکت جهانی زنان حول محورهای آزادی - برابری عدالت، همبستگی و صلح تراکت‌ها و جزواتی میان مردم و عابران توزیع کردند، که در این

ادامه تأملی بر رویدادهای اخیر ...

جزوات به مساله فقر زنان اشاره شده بود. علاوه بر این حرکت ارزشمند و ستایش برانگیز، سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوس رانی تهران و حومه نیز با انتشار بیانیه ای در روز دوشنبه ۲۵ مهرماه اعلام داشت، رانندگان زحمتکش اتوبوس ها به عنوان اعتراض به عدم رسیدگی مدیریت شرکت واحد مقامات دولتی به مطالبات و خواستههای خود از گرفتن بلیط از مسافران خودداری خواهند کرد. این حرکت اعتراضی سندیکای کارگری بازتاب گسترده در جامعه داشت و از سوی کارگران و دانشجویان مورد حمایت قرار گرفت، همچنین بیش از صد نفر از کتابداران و کارمندان کتابخانه های عمومی در اعتراض به سطح پایین دستمزدها و شرایط سخت کاری دست به اعتراض زده و در تهران تجمع نمودند. فرهنگیان نیز در اواخر مهرماه در اعتراض به رفتار مسولان وزارت آموزش و پرورش و حمایت از آموزگاران حق التدریسی طوماری را امضاء کردند، در عین حال بیش از ۱۵۰ نفر از آموزگاران حق التدریسی سراسر کشور صبح روز سه شنبه ۲۶ مهرماه در مقابل مجلس شورای اسلامی گرد هم آمدند و خواستار رسیدگی به وضعیت خود شدند. به این حرکت های اعتراضی باید تجمع بیش از سه هزار دانشجوی دانشگاه شهید بهشتی (ملی) را در اواخر مهرماه بیفزایم.

تنها با توجه به این اعتراض ها هر چند پراکنده، ضعیف به لحاظ سطح سازماندهی، می توان تصویری دقیق و درست از اوضاع جاری در کشور به دست آورد. روشن است که نیاز مبرم روز سازمان دهی همین نیروها و تجهیز آنها به شعارهای اصولی و واقع بینانه است. حزب ما با توجه به اوضاع بحرانی کشور و خطراتی که اینک به آن روبرو هستیم باز هم بر ضرورت تکیه به نیروی لایزال مردم برای تغییرات تاکید می کند. تجربه هشت سال گذشته نشان می دهد، بدون سازماندهی و تجهیز جنبش مردمی امکان هیچگونه تغییر و تحولی وجود نخواهد داشت و ارتجاع با توجه به امکانات وسیع مالی، سیاسی و اهرم های قدرت، قادر خواهد بود، مسیر تغییر، تحول و اصلاح را مسدود و یا به سود منافع خود منحرف سازد.

فقط زمانی می توان با توانایی از شکاف های درون حاکمیت ماهرانه بهره جست که یک نیروی مردمی سازمان یافته در اختیار داشت. تکیه به نیروی مردم بزرگترین درس جنبش دمکراتیک و آزادیخواهانه مردم ما در هشت سال اخیر است، و هر نیرویی که خواستار تحول و اصلاح در کشور می باشد، باید این درس مهم و تاریخی را راهنمای عمل خود سازد!

ادامه زندگی دهقانان در ...

بباید ۲۵ درصد بیشتر از متولدین مثلاً مناطق مرکزی در معرض فقر شدن قرار دارد.»

این آمار تکان دهنده فقط گوشه ای از زندگی امروز دهقانان ایران را به تصویر می کشد. مساله بسیار عمیق تر از این آمار و ارزیابی ها است.

یکی از عوامل اصلی بحران در جامعه روستایی ایران و فقر دهقانان و نابودی تولیدات کشاورزی، سمت گیری اقتصادی

اجتماعی رژیم ولایت فقیه است که اکنون دولت ارتجاع، به ریاست احمدی نژاد، با شتاب بیشتری در حال اجرای آن است. از پیامدهای اجرای این برنامه ها، رشد و رواج واسطه گری و روابط دلالی در اقتصاد کشور است. در این زمینه گزارش های اخیر رسانه های همگانی جمهوری اسلامی به خوبی گواهی می دهند. به عنوان نمونه همزمان با روی کار آمدن دولت احمدی نژاد و شیوع بیماری کشنده وبا در کشور، بخشی از کشاورزان سبزی کار دچار خسارات هنگفت شدند. در جریان شیوع بیماری وبا در طول دو ماه گذشته در بسیاری از استان های کشور و انتقال میکروب این بیماری از راه سبزی و در نتیجه رکود و خانه خرابی دهقانان، استانداری ها و فرماندارهای نقاط گوناگون پیشنهاد اختصاص حدود ۱۵۰ میلیارد ریال، به منظور جبران بخشی از خسارت سبزی کاران، را ارایه کردند و این پیشنهاد در هیأت دولت به تصویب رسید. از آن تاریخ تاکنون دولت احمدی نژاد با وجود تبلیغات فراوان حتی یک ریال هم به کشاورزان پرداخت نکرده است.

در این خصوص خبرگزاری مهر، ۱۶ مهرماه، گزارش داد: «با گذشت بیش از بیست روز از تصویب پرداخت خسارت به سبزی کاران تاکنون هیچ پولی به آنان پرداخت نشده است، با توجه به حجم بالای خسارت به سبزی کاران قرار بود بابت هر هکتار زمین زراعی یک میلیون تومان به کشاورزان پرداخت شود ولی هیچ پولی در کار نیست.» علاوه بر این خبرگزاری کار ایران ایلنا، در تاریخ ۱۸ مهر ماه سال جاری از قول معاونت زراعی سازمان جهاد کشاورزی استان زنجان نوشت: «میزان خسارت وارده سبزی کاران استان حدود نه میلیارد ریال و میزان خسارت صیفی کاران دوازده میلیارد ریال بر آورد

شده که کل میزان خسارت در استان زنجان بیست و یک میلیارد ریال می باشد.» وی تصریح کرد که: «تاکنون هیچ مبلغی و حتی اعتباری برای پرداخت خسارت اعلام نگردیده است.»

به دنبال اعتراض گروه های متعدد دهقانان در این زمینه نه تنها به آن پاسخ مثبت داده نشد، بلکه عضو کمیسیون کشاورزی مجلس هفتم در مصاحبه ای اعلام داشت: «هیچ قانونی برای پرداخت خسارت وارده به کشاورزان بابت به فروش نرفتن محصول آنان وجود ندارد.»



ISNA/PHOTO:HASSAN GHAREEB

در کنار این مساله، یکی دیگر از معضلات بزرگ دهقانان کشور دلالات و واسطه ها و سلف خرها هستند که اینک بیش از گذشته فعال شده اند زیرا دولت احمدی نژاد پیگیرانه از منافع آنان حمایت می کند. خبرگزاری های مختلف جمهوری اسلامی در اوایل مهر ماه امسال خبر دادند، واردات بی رویه برنج نگران کننده است، مطابق این گزارش ها تجار عمده بازار و دلالات بیش از دو برابر نیاز کشور برنج وارد کرده اند. معاون انجمن برنج کشور به خبرگزاری مهر در تاریخ ۲۴ مهر ماه اعلام کرد: «واردات برنج به ویژه در فصل خرید و عرضه محصول داخلی، زندگی دهقانان را به فقر کشانده، علی رغم تاکید بر کسری ۳۰۰ هزار تنی برنج در سال جاری تاکنون ۷۰۰ هزار تن برنج وارد کشور شده است. دلالات برنج دست در دست تجار بازار و با حمایت دولت برنج داخلی را با نرخ بسیار پایین خریداری کرده و احتکار می کنند. در این میان برنج کاران زحمتکش حاصل دسترنج خود را اجباراً با قیمتی نازل به دلالات می فروشند.»

جالب اینجاست که دهقانان شمال کشور که به برنج کاری اشتغال دارند، هر سال بیش از سال قبل با سقوط سطح زندگی و

ادامه در صفحه ۶

آزادی برای همه زندانیان سیاسی ایران!

سندیکا یا نهادهای جایگزین

سندیکای کارگری تشکلی مستقل برای دفاع از منافع و حقوق صنفی رفاهی

زحمتهای آنست و در عین حال یک سازمان طبقاتی کارگران به شمار می آید؛ لذا هیچ نهاد و ارگان دیگری نمی تواند در امر مبارزه برای تامین منافع کارگران و زحمتهای آنست

جایگزین سازمان سندیکایی گردد!

امروز بیش از هر زمان دیگری طی سال های اخیر، به دلایل کاملاً مشخص و در نتیجه فشارهای روزافزون اقتصادی، سیاسی بر روی طبقه کارگر و دیگر زحمتهای آن، بحث و بررسی پیرامون یافتن راه حل به منظور مقابله با این اوضاع در میان توده های وسیع زحمتهای آن و فعالان جنبش کارگری سندیکایی میهن ما، جریان دارد. مساله احیاء حقوق سندیکایی و احیاء و ایجاد سندیکاهای مستقل کارگری در این مباحث یک نکته محوری محسوب می گردد و این به نوبه خود نشانگر رشد و بلوغ جنبش کارگری پس از سال های طولانی سرکوب، پیگرد و فشار پلیسی است.

چندی پیش مدیرکل سازمان های کارگری و کارفرمایی وزارت کار در یک گفتگوی اختصاصی با خبرگزاری دانشجویان ایران - ایسنا در ارتباط با چگونگی پیدایش تشکلهای کارگری و کارفرمایی به برخی نکات با اهمیت اشاره کرد، که توجه به آنها برنامه رژیم ولایت فقیه بویژه در دوران دولت احمدی نژاد را در معرض داوری قرار می دهد. سعید هوشمند مدیرکل وزارت کار و امور اجتماعی در این مصاحبه با سفسطه تلاش کرد تفاوت میان انجمن صنفی و سندیکا را تنها یک تفاوت لفظی جاوه دهد و از جمله وی متذکر شده است: «بر اساس ماده ۱۳۱ قانون کار جمهوری اسلامی انجمن صنفی قانونیت دارد. نام این تشکلهای بر اساس ماده ۵۲ قانون کار سابق سندیکا بوده است که از به هم پیوستن سندیکاهای اتحادیه ها سندیکایی و یا فدراسیون و از به هم پیوستن فدراسیون ها، کنفدراسیون تشکیل می شد... در قانون کار کنونی نام سندیکا به انجمن صنفی نام اتحادیه سندیکایی یا فدراسیون به کانون و نام کنفدراسیون به کانون سراسری یا کانون عالی تغییر یافته و این تغییرات تنها از نظر لفظی است و انجمن صنفی همان سندیکاست.»

ولی واقعیت امر در جای دیگری نهفته است. هراس و ابستگان رژیم از تاریخ و ماهیت جنبش سندیکایی کشور است. این هراس را به وضوح می توان در سخنان رییس هیات مدیره انجمن صنفی کارگران بیمارستان خاتم النبیا به خبرگزاری ایسنا، در دوم شهریور ماه مشاهده کرد. وی در توضیح مخالفت و ابستگان ارتجاع با مساله سندیکا از جمله خاطر نشان ساخت: «همانطور که در اصل ۲۶ قانون اساسی آمده است و قانون کار فعلی مخالفتی با فعالیت سندیکاهای ندارد. گرچه اشکال قانونی کارگران را شورا، انجمن صنفی و نماینده کارگر تعریف کرده، وضعیت حال حاضر کارگران متأثر از نگاه ایدئولوژیکی حاکم در کشور است، ذهینیت منفی که در طول تاریخ (علیه سندیکا) ایجاد شده و آن نزدیکی تشکلهای کارگری

(سندیکاهای) با گروه های چپی و حزب توده بوده است.» وی سپس تاکید می کند: «در کار صنفی از بکار بردن نام خاص پرهیز شود.» و البته نام خاص یعنی سندیکا. روزنامه شرق در اوایل مهرماه کنونی مطلبی را با نام سخن سندیکایی به قلم حسین اکبری انتشار داد که در آن از فعالان سندیکایی و مبارزان راه احیاء حقوق سندیکایی خواسته شده است، صرفاً در چارچوب نهادهای موجود فعالیت کنند، بحران موجود را کاهش دهند و با اقتدار و هوشمندی نشان دهد که در صورت به حساب آمدن قادر است به رفع بحران ها یاری رساند. بطور کلی در این مطلب به فعالان سندیکایی بویژه هیات موسس سندیکاهای کارگری ایران توصیه می شود به اقدامات تند نظیر اعصاب دست نزنند.

به دنبال این مطلب سایت امروز به تاریخ ۱۰ مهرماه مطلبی را با نام «سندیکالیزم، ضرورت تداوم اصلاحات» منتشر ساخت که در آن تاکید گردیده است. «با اشاره ای گذرا و مختصر به وضعیت کنونی جامعه کارگری (بخوان طبقه کارگر) و چشم انداز آتی آن بر بایدها و برنامه هایی که در این شرایط لازم الاجرا به نظر می رسند، مروری داشته باشیم، مطابق قوانین موجود در کشور، در حال حاضر، کارگران یک کارگاه می توانند یکی از سه مورد انجمن صنفی، شوراهای اسلامی کار و یا نماینده کارگر داشته باشند. در بین سازمان های پیش گفته انجمن صنفی که معادل فارسی سندیکا ترجمه شده است، تشکلی است انعطاف پذیر که ساختار سندیکایی دارد و شبیه ترین تشکلهای سندیکا محسوب می شود، سپس نتیجه گرفته می شود که طبق آمار موجود،

بیش از ۹۵ درصد از کارگاه های کشور کمتر از ۳۵ نفر کارگر دارند و در بسیاری از این کارگاه ها و یا صنوف در برگیرنده آنها، می توان انجمن صنفی (سندیکا) تشکیل داد و می توان در ۱۴ هزار کارگاه مشمول قانون شوراهای اسلامی کار، تشکلهای مستقل (انجمن صنفی یا سندیکا) ایجاد کرد. به عبارت دیگر کارگران امکان تاسیس و به راه اندازی هزاران سندیکای کارگری را دارند... به خاطر داشته باشیم، انجمن های صنفی (سندیکا) در حوزه کارفرمایی نیز قابل تشکیل هستند. بدون شک سندیکالیزم، راه برون رفت از وضعیت به وجود آمده و ضرورت تداوم و بازسازی اصلاحات است.»

بدون شک تلاش و مبارزه برای تشکلهای طبقه کارگر و دیگر زحمتهای آن در سازمان های مستقل سندیکایی امری است ضروری و غیرقابل انکار، نکته بسیار پراهمیت در این مباحث دفاع از آزادی های سندیکایی و پیوند آن با حقوق و آزادی اولیه مردمی است. جنبش سندیکایی کارگران و زحمتهای آنست که باید به تجربیات گذشته بی اعتنا بماند و آن ها را در نظر نگذرد. بحث انجمن صنفی همان سندیکاست، یکی از همین تجربیات بسیار ارزشمند دو دهه اخیر میهن ماست. سندیکا مفهوم، ویژگی و ساختار خاص خود را داراست و هیچ نهاد دیگری نمی تواند جای آنرا بگیرد. اینکه فعالان سندیکایی باید از هر روزنه ای بسودا و اعتدالی جنبش سندیکایی بهره گیرند به معنای پذیرش یک نهاد دیگر به جای سازمان سندیکایی نیست و نمی تواند باشد.

در این زمینه خوشبختانه کارگران آگاه و فعالان سندیکایی با دیدی درست عمل و رفتار می کنند. نمونه آن سخنان نایب رییس سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوس رانی تهران و حومه است. وی در جریان میزگرد خبرگزاری ایسنا به تاریخ ۲ شهریور ماه امسال با تاکید بر همین تجربه ارزنده تاریخی یادآور می شود: «متأسفانه در اوایل انقلاب تشکلهای کارگری که سعی می کردند بعد از رهایی یافتن از سیستم ساواک خود را پیدا کنند و با شرایط دمکراتیک سازماندهی شوند به دلایل خاص اجتماعی به این خواسته های خود نرسیدند... اولین نیاز کارگران داشتن حق تشکیلات مستقل کارگری مطابق با قراردادهای و مقاوله نامه های بین المللی و اعلامیه جهانی حقوق بشر است که متأسفانه تا به امروز رعایت نشده است.» این فعال سندیکایی به درستی بر امری انگشت می گذارد که مساله کلیدی و عمده و اصلی است. یعنی اینکه تعریف از تشکلهای مستقل سندیکاهای فقط و فقط مبتنی بر منشور جهانی حقوق سندیکایی و اعلامیه جهانی حقوق بشر و مقاوله نامه های متعدد سازمان بین المللی کار است و هرگونه فعالیت خارج از این تعاریف در چارچوب سازمان سندیکایی نمی گنجد. در اینجا لازم است به این مطلب توجه کنیم که فعالیت خستگی ناپذیر در درون انجمن های صنفی در اوضاع کنونی به هیچ روی به معنای جایگزینی این نهاد با سندیکا نیست. بلکه بخشی از مبارزه برای احیاء حقوق سندیکایی قلمداد می گردد. سازمان سندیکایی تعریف مشخص و جهانشمول خود را دارد و انجمن صنفی و یا شوراهای اسلامی هرگز نمی توانند به جای آن قرار گیرند.

یکی از ویژگی های بارز جنبش سندیکایی کشور ما چه در گذشته و چه در حال حاضر حفظ استقلال عمل آن از حاکمیت است. در اوضاع بغرنج کنونی ضرورت حفظ این استقلال از تمامی جناح بندی های حکومتی امری است فوق العاده پراهمیت که در آینده این جنبش تاثیر بسزایی دارد. جنبش کارگری سندیکایی کنونی میهن ما، در مبارزه خود بیش از هر چیز به آگاهی و سازماندهی توده های وسیع زحمتهای آنست که باید به درستی تاکید دارد، در امر دفاع از حقوق و منافع کارگران و زحمتهای آنست هیچ نهادی نمی تواند، جایگزین سندیکا به عنوان سازمان مستقل صنفی با محتوی طبقاتی گردد.



اکثریت، و به ویژه روستائینان است.

س: وضعیت کنونی چگونه است؟

خوان مورالس: به اعتقاد من تشنج ها و درگیری ها از سر گرفته خواهد شد. ملت بولیوی خواهان دگرگونی برای بهبود وضع اقتصادی است اما دادگاه «قانون اساسی» ایجاد موانع می کند. این دادگاه هفته گذشته، ادعای غیرقانونی بودن «تقسیم

بندی جدید» کرسی های پارلمانی را که بر اساس آخرین سرشماری ملی به عمل آمده، پذیرفت. این ادعا به صورت شکایت از سوی یکی از رهبران راست سانتیاگو تسلیم دادگاه شده بود. این خواست در جای خود مشروع است. اما خارج از متن واقعی خود و فقط با هدف به تاخیر انداختن و یا فسخ انتخابات به عمل آمد. این کاری است علیه دموکراسی. این دادگاه به مثابه ابزار عمل شرکت های فرا ملی ها خدمت می کند و از مانور های سیاسی سفارت آمریکا و الیگارشسی سانتاکروز (پایتخت اقتصادی) حمایت می کند. آن ها این را به خوبی می دانند که که دیگر نمی توانند از تشکیل مجلسی کارآمد و از ملی کردن منابع و ذخایر «هیدروکربور» ها جلوگیری کنند. پس راست افراطی متحد می شود تا با استفاده از دادگاه، با ظرافت جلوی برگزاری انتخابات را در زمانی که «جنبش به سوی سوسیالیسم»، جنبش بومیان و توده ای بر اساس نظرسنجی ها در راس قرار دارد، بگیرد. آن ها نمی توانند قبول بکنند که یک سرخپوست به مقام ریاست جمهوری برسد. س: در جریان آخرین انتخابات، سفیر سابق ایالات متحده، مانوئل روخا «آشکارا از مردم بولیوی خواست که به شما رای ندهند. این بار سفارت آمریکا چگونه عمل خواهد کرد؟

خوان مورالس: نخست می خواهم به خلق بولیوی که دیگر نه از سفارت آمریکا و نه از توپ و تشرها و نه از تهدید هائیکه از جانب کاخ سفید بر می آید واهمه بی ندارد، تبریک بگویم. از سونی دیگر، سفیر کنونی ایالات متحده در حال حاضر بیشتر «پنهانی» علیه جنبش های اجتماعی عمل می کند و سوم اینکه تهدیدهای کاخ سفید پاره ای اوقات از جانب «اتورایش» یا «کوندالیزا رایس» شنیده می شود. آن ها قادر نیستند که نحوه تفکر مردم بولیوی را عوض کنند. اگر آن ها موفق نشوند که از راه خلف وعده و قول شکنی و دسیسه های قضائی انتخابات را به تعلیق درآورند، کار دیگری جز به تاخیر انداختن انتخابات نمی توانند بکنند اما شکست آنان اجتناب ناپذیر است. ما منابع طبیعی را در اختیار خواهیم گرفت و بولیوی را بازسازی خواهیم کرد.

س: آیا برای امنیت شخصی خود نگران نیستید؟

خوان مورالس: تهدیدها دائمی هستند بوسیله تلفن و یا نامه. حتی در سانتاکروز مورد تهاجم فیزیکی قرار گرفتیم. شکایتی ندارم و نمی خواهم قربانی نمائی بکنم. وقتی انسان آرزوهائی دارد آن را با خلق به پیش خواهد برد. من مطلع شده ام که اخیراً نیروهای مسلح آمریکائی از پاراگوئه مرا تحت نظر دارند. فکر می کنم بهتر آنست که آن ها بروند از آسیب دیدگان سوانح طبیعی حمایت کنند.

س: شما گفتید که بولیوی به «شرکا» نیاز دارد و نه به «ارباب». فکر می کنید که در آینده گاز می تواند در آمریکای لاتین به یک عامل «یگانگی» بدل شود؟

خوان مورالس: تمام دولت ها حق دارند که حق مالکیت خود را

«جنبش به سوی سوسیالیسم» خلق بولیوی خواهان دگرگونی های اساسی است

مصاحبه روزنامه «اومانیته» با «خوان اوو مورالس»

رهبر «جنبش به سوی سوسیالیسم» بولیوی

پیش از پرداختن به متن مصاحبه، نگاهی کوتاه به گذشته: در سال ۲۰۰۲ «خوان اوو مورالس»، که در آن هنگام ۴۲ سال داشت، در انتخابات ریاست جمهوری با کسب بیست درصد آرا باعث یک زلزله سیاسی واقعی در کشور فقر زده بولیوی، که اکثریت جمعیت آن را سرخ پوستان تشکیل می دهند، شد. پس از آن «خوان مورالس» رهبر در انتخابات مجلس این کشور آرا «جنبش به سوی سوسیالیسم» را از ده درصد به سی درصد رساند. مورالس فردی است مورد نفرت «نخبگان»، نامطلوب و غیر قابل پذیرش برای واشنگتن که کارزار وسیع تبلیغاتی را بر ضد او سازمان دهی کرده است. مورالس یک رهبر توده ایست که بیست سال با سرسختی، کار و تلاش کرد. او فردی است خودساخته و ستایش گر مدل کاسترو و چه گوارا. او به دلیل فقر مجبور شد در ۱۲ سالگی مدرسه را ترک کند و همراه خانواده خود، مانند بسیاری از خانواده های دیگر، از منطقه ای به منطقه دیگر کوچ کند و سرانجام در منطقه ای که بطور سنتی محل کشت «کوکا» است، مستقر شد. پس از آن به طور منظم به فعالیت های اجتماعی پرداخت و سپس در پی طی مراحل مختلف در راس فدراسیون دهقانان آن منطقه قرار گرفت.

مبارزات مردم بولیوی در سال های بین ۱۹۹۷ تا سال ۲۰۰۱ در یک فضای فشار نظامی و خشونت فوق العاده، اوج گرفت. مورالس همواره همراه خلق بود و مبارزات آنان را سازماندهی می کرد. در سال ۱۹۹۶ سازمان های دهقانان و سرخ پوستان تصمیم گرفتند که یک «جنبش به سوی سوسیالیسم» را آغاز کنند. سال بعد از آن مورالس یکی از اولین نمایندگان بود که با هفتاد درصد آرا به پارلمان بولیوی راه یافت. در آغاز سال ۲۰۰۲ حرکت اعتراضی کشتکاران «کوکا»، بر ضد یک «حکم حکومتی» که یکبار دیگر فروش «کوکا» را ممنوع ساخت، با سرکوب مواجه شد و مورالس تحت عنوان «تحریک آگاهانه به خشونت» از پارلمان اخراج شد. این تصمیم چند ماه مانده به انتخابات ریاست تنها به افزایش محبوبیت او منجر گردید. رای سرخ پوستان، پشتیبانی نیرومند سندیکاها و حمایت بخش بزرگی از جامعه شهری که از بدی وضع اقتصادی و نتایج مصیبت بار «ریاضت کشتی» تحمیلی از سوی صندوق بین المللی پول به تنگ آمده اند، از جمله دلایل مهمی است که واهمه دشمنان مردم بولیوی درباره مورالس را باعث شده است. مبارزه او با جهانی شدنی که مترادف با فقر و فلاکت است، مخالفت او از «قدر قدرتی» و هژمونی طلبی آمریکا نیز بر این نگرانی های می افزاید. ترس و واهمه از اینکه آیا او موسسات استراتژیکی چون معادن و منابع «هیدروکربور» ها را که دست شرکت های فرا ملی قرار دارد را باز پس خواهد گرفت؟ و آیا او با خصوصی سازی منابع طبیعی مانند آب، مخالفت خواهد کرد؟ یکی از ویژگی ها بحران بولیوی در سال های اخیر مبارزات اجتماعی - برای آب، گاز و نفت مقارن بوده است. این بحران می تواند در آذر ماه - ماه انتخابات ریاست جمهوری - ابعاد دیگری بگیرد.

متن مصاحبه

س: انتخابات آینده در تاریخ بولیوی چه چیزی را می تواند تغییر دهد؟

خوان مورالس: باید دانست که در تاریخ بولیوی عمدتاً برای زیر سوال بردن آن مدل اقتصادی که سابقاً به آن می گفتند «لیبرال» و امروزه بیشتر به مثابه «نئولیبرال» شناخته می شود، جنبش های اجتماعی سازماندهی می شدند، گرد هم می آمدند و فعال می شدند. ما بخوبی می دانیم که چنین مدلی برای اکثریت خلق ما مطلوب نیست. از سوی دیگر نخستین بار است که جنبش بومیان دستگاه حکومتی را که سرگرم تخریب منابع ماست، زیر علامت سوال می برد. نیروهای اجتماعی از شکل مبارزات سندیکائی به مبارزات انتخاباتی تغییر شکل داد. هدف غائی انتخابات آینده فقط تغییر رئیس جمهوری نیست. بلکه دگرگون کردن تاریخ برای پایان دادن به حالت مستعمراتی و بریدن از نئولیبرالیسم است. این مبارزه طلبی ملی

ادامه پاکسازی گسترده مخالفان...

درصد دیگر را می شود ترساند و ۳ الی ۴ درصد بقیه که به هیچ صراطی مستقیم نمی شوند را می توان با نیروی واکنش سریع در نطفه خفه کرد» در همین زمینه بر اساس خبرهای گوناگون منتشر شده در طول دوماه گذشته ۱۸ رئیس دانشگاه در سراسر کشور تغییر کرده اند که در طول تاریخ حکومت رژیم ولایت فقیه بی سابقه است. جعفر کامبوزیا نماینده مجلس ششم در گفتگویی تفصیلی با پایگاه خبری امروز ضمن اشاره به این سیاست های مخرب دولت احمدی نژاد از جمله افزود: «جریان فعلی حاکم بر وزارت علوم با فلسفه استقلال دانشگاهها کاملاً بیگانه است شتابزدگی وزیر علوم در انتصاب رؤسای دانشگاهها برخلاف قانون و عرف اجتماعی است مضافاً اینکه وزیر علوم حتی در انتصاب رؤسای دانشگاهها از افراد موجه و قابل قبول نیز بهره نرفتند و فردی که در انتخابات مدیریت دانشگاه از ۳۰۰ رای تنها ۷ رای را آورده است به مدیریت دانشگاهها منصوب کرده است که گماردن چنین فردی یعنی حرکت در جهت عکس خواسته اعضا هیأت علمی و زمینه سازی برای تحدید دانشگاهها است.» بر این مجموعه باید همچنین خبر مصوبه جدید وزارت علوم مبنی بر انتقال کلیه دختران از دانشگاههای سراسر کشور به شهر محل زندگی شان را افزود تا ابعاد تهاجم ارتجاع بر ضد دانشگاههای کشور روشن تر گردد.

یورش ارتجاع به دانشگاهیان و دانشگاههای کشور اتفاقی نیست. در طول دهه های اخیر با وجود پاکسازی های مکرر، دانشگاههای و دانشگاه هیان کشور همواره یکی از سنگرهای فعال مبارزه بر ضد رژیم ولایت فقیه بوده و هستند. نقش فعال و ویژه جنبش دانشجویی کشور در پیروزی تاریخی دوم خرداد ۱۳۷۶ و پس از آن نقش مهم دانشجویان در نبرد های سیاسی بر ضد ترندهای ارتجاع، جنبش دانشجویی و دانشگاه های کشور را در تقابلی جدی با سیاست های ارتجاع قرار داده است و درست از همین روست که سرکوبگران حاکم اکنون مدتهاست که برنامه سرکوب و قلع و قم وسیع دانشگاه های کشور را در اولویت کاری خود قرار داده اند.

در کنار این روند هشدار دهنده ما همچنین شاهد تغییرات وسیع در سطح استانداری ها کشور هستیم. جعفر کامبوزیا در پاسخ به سؤال خبرنگار «امروز» که: «در وزارت کشور شاهد انتصابهای امنیتی و نظامی در سطح استانداری ها بودیم هر چند ترکیب کل کابینه نظامی و امنیتی است نظر تان در این مورد چیست؟» می گوید: «این انتصابها از تفکر حاکم بر وزیر کشور نشأت می گیرد هر چند ایشان صحبت هایی در مورد آزادی و دموکراسی بکنند با توجه به سوابق ایشان تا در عمل نشان ندهند قابل پذیرش نیست. چون وزیر کشور افرادی را به سمت استاندار منصوب کردند که قبلاً رئیس دفتری را تجربه کرده بودند و چه کسی است که نداند گماردن افراد کوچک در جایگاه های بزرگ کشور را فلج می کند. هر چند عوام فربیی نیز در این انتصابها مشاهده می شود به گونه ای که ادعا کردند که ما افراد بومی می گذاریم اما در مناطقی با حساسیت قومی و مذهبی افرادی را به سمت استاندار منصوب کردند که خود در گذشته سردمدار بروز این حساسیت ها بین قومیت ها بودند.»

آنچه از مجموعه بالا روشن است حرکت سازمان یافته نیروهای ارتجاعی تند رو برای قلع و قم وسیع مخالفان و خصوصاً ضربه زدن به دانشگاه های و جنبش دانشجویی کشور است. در چنین اوضاع و احوالی متأسفانه نشانه جدی از تلاش های مشترک نیروهای آزادی خواه و اصلاح طلب برای مقابله با این حرکات به چشم نمی خورد. برخوردهای لفظی، سقوط مجدد به قبول مرزهای ارتجاعی «نیروهای خودی و غیر خودی» و هراس از سازمان دهی یک جنبش وسیع اجتماعی برای مقابله با تهاجمات ارتجاع کار مقابله با خطرات کنونی را بسیار دشوار کرده است. سکوت و مماشات با یورش نیروهای ارتجاعی بی شک در آینده صدمات جدی برای جنبش مردمی و نیروهای اصلاح طلب جامعه به همراه خواهد داشت. باید با غلبه بر دشواری های کنونی جنبش اجتماعی نیرومندی را برای مقابله با برنامه های ایران برپاده ارتجاع بسیج کرد و به میدان مبارزه کشاند. تنها در این صورت است که می توان راه را برای تحولات بعدی و حرکت به سمت طرد رژیم استبدادی ولایت فقیه و استقرار آزادی، دموکراسی و عدالت اجتماعی گشود.

ادامه زندگی دهقانان در سرایشب...

در نتیجه فقر مواجه هستند. تولیدات داخلی احتکار شده و سپس گران بفروش می رسد و تجار به ثروت های هنگفت می رسند. به گزارش خبرگزاری فارس به تاریخ ۱۶ مهر ماه امسال، سازمان تجارت جهانی در یکی از آخرین گزارشات خود در مورد دادوستد برنج در جهان اعلام کرده است: «طی شش سال اخیر ایران با ۱۶ میلیارد دلار واردات برنج از خارج، سومین کشور وارد کننده برنج در جهان است.»

علاوه بر برنج، گندم و گندم کاران نیز با وضعیتی وخیم روبرو هستند. واردات گندم سبب گردیده، خرید تضمینی از کشاورزان کاهش یابد. خبرگزاری فارس در تاریخ ۱۹ مهر ماه به نقل از دفتر مجری طرح گندم گزارش داد: «خرید تضمینی گندم از کشاورزان نسبت به سال قبل به دلیل واردات بی رویه ۱۶ درصد کاهش یافته است.» از طرف دیگر به گزارش خبرگزاری ایسنا، ۲۰ مهر ماه، کشاورزان پنبه را کیلویی ۱۰۰ تومان ارزان تر به دلالت می فروشند. مدیر عامل تعاونی کارخانه های صنایع پنبه پاک کنی استان گلستان خاطر نشان ساخت: «تاخیر دولت در پرداخت پول بابت خرید تضمینی پنبه موجب شده که کشاورزان محصول خود را کیلویی ۱۰۰ تومان ارزانتر به دلالت بفروشند.»

در استان های لرستان و کرمانشاه با دخالت دلالت، قیمت ذرت خریداری شده از دهقانان بسیار پایین تر از نرخ واقعی است و این امر سبب نابودی تولید این محصول استراتژیک شده و خانوارهای بسیاری را در روستاهای این استان ها به ورطه فقر کشانده است. علاوه بر اینها، قاچاق چای و پياز توسط ارگان هایی نظیر سپاه پاسداران و کمیته امداد خمینی موجب ورشکستگی دهقانان تولید کننده این محصولات شده است.

خبرگزاری ایلنا، در تاریخ ۱۸ مهر ماه، گزارش داد: «قاچاقچیان با قاچاق چای و پياز، زندگی کشاورزان را به تباهی کشانده اند.» به موجب این گزارش: «گروه هایی از پاکستان، ترکیه و سایر کشورهای حاشیه خلیج فارس با رویکرد به قاچاق کالا صنعت و کشاورزی را به نابودی می کشانند، قاچاقچیان با کمک از مراکز نامشخص از پاکستان و ترکیه و دویی چای و پياز به داخل کشور سرازیر می کنند.»

و در همین حال خبرگزاری مهر به تاریخ ۱۷ مهر ماه مصاحبه رییس اتحادیه چای کاران کشور را منتشر کرد که در آن از جمله مطرح می شود که: «در سال جاری میزان تولید چای خشک حداکثر به ۲۹ هزار تن خواهد رسید که معادل نصف سال های عادی است، در حالی که از فروش چای داخلی در سال قبل هیچ پس اندازی و درآمدی نصیب کشاورزان نشد، بطوریکه در آمد کشاورزان از باغات چای در سال جاری در حد صفر بوده است.»

همه این مسایل گویای وضعیت دردناک تولیدات کشاورزی و زندگی دهقانان کشور به ویژه دهقانان کم زمین، بی زمین و خرده پا است. اقتصاد دلالتی و واردات بی رویه و قاچاق محصولات کشاورزی که سرنخ بسیاری از آنها به اسکله های غیر قانونی تحت هدایت سپاه پاسداران ختم می شود، زندگی دهقانان میهن مارا در سرایشب فقر و سقوط قرارداده است.

قطع دست دلالت و واسطه ها و بنیادهای انگلی برای بهبود زندگی دهقانان امری است ضروری که تنها با تغییر سمت گیری اقتصادی، اجتماعی کنونی رژیم، امکان پذیر است. از این رو تلاش برای سازماندهی جنبش دهقانی و طرح خواست های برحق آنان در جنبش دموکراتیک و آزادی خواهانه مردم ما، یک اولویت جدی محسوب می شود.

ادامه صف بندی ها ...

است که تعیین کننده نتیجه نهایی همه پرسى خواهد بود. اما انتظار می رود که آرای به صندوق ریخته در موصل به طور عمده «آری» باشد، اگر چه نه با آن اکثریت مطلقی که در استان های دیگر دیده شد. علت این امر تمایلات سیاسی و ترکیب دینی و قومی در این استان است. برخی از گروه هایی که پیش نویس قانون اساسی را مردود می دانند ادعا کرده اند که تخلف ها و تقلب هایی در جریان رأی گیری ها صورت گرفته است، و به همین دلیل هم کمیسیون برگزاری همه پرسى می خواهد پیش از اعلام نتیجه نهایی و قطعی همه پرسى مطمئن شود که آرا به درستی شمارش شده اند.

س: به نظر می رسد که در برخی از مناطق عراق حمایت از قانون اساسی آن طور نبود که انتظار می رفت. آیا این به علت ضعف سند پیشنهادی فعلی است؟ این پیش نویس «قانون اساسی» به نظر حزب کمونیست عراق چه ضعف های عمده ای دارد؟

سلام علی: البته این عامل بسیار مهمی است. بسیاری از آن نیروهای سیاسی که خواهان دادن رأی مثبت بودند، انتقادهایی اساسی نسبت به بعضی از مفاد این سند داشتند، از جمله این که در آن با برخی از مسائل حیاتی به درستی برخورد نشده است. برای مثال، حزب ما چنین موضعی دارد، و نگرانی اش را در مورد بندهای مربوط به وضعیت حقوقی اشخاص، حقوق زنان، و در کل، ماهیت مدنی - دموکراتیک پیش نویس قانون اساسی بیان کرده است. اما به نظر ما این سند در مجموع قابل قبول است. تغییر توازن نیروها در مجمع قانون گذاری که در انتخابات آتی برگزیده خواهد شد این امکان را بوجود خواهد آورد که الحاقیه های مناسبی به این سند افزوده شود یا از تلاش هایی که برای تعبیر و تفسیر و اجرای مواد «مبهم» به شیوه های ضد دموکراتیک صورت می گیرد، جلوگیری شود (بیشتر از چهل ماده در این سند وجود دارد که به وضع قانون توسط مجمع انتخابی بر اساس تفسیر قانون اساسی اشاره دارند).

س: برنامه حزب کمونیست عراق برای انتخابات پارلمانی پیش رو در ماه دسامبر چیست؟ آیا در نظر دارید که در آن انتخابات به طور مستقل شرکت کنید یا با احزاب دیگر ائتلاف خواهید کرد؟ احتمال تشکیل یک بلوک متحد چپ چقدر است؟

سلام علی: مذاکره در مورد امکان تشکیل یک ائتلاف لیبرال - دموکراتیک گسترده (به طور عمده دموکراتیک غیر مذهبی) بین طیف وسیعی از گروه های اسلامی میانه رو، پان عرب، لیبرال، دموکراتیک و نیز شخصیت های مستقل در جریان است. چنین ائتلافی اگر مبتنی بر یک کارپایه میهن دوستانه و دموکراتیک و با اهداف مشترک (در مورد مسائل عمده سیاسی، اجتماعی و اقتصادی) بین نیروهای شرکت کننده باشد، از دیدگاه حزب ما در انتخابات آتی نخستین گزینه ما محسوب می شود. چنین ائتلافی قادر خواهد بود که قطعی شدن و پراکندگی کنونی قومی - سکتاریستی ناشی از انتخابات پیشین، و نیز بحران کنونی و خطر بزرگ جدایی طلبی را تخفیف دهد یا از میان ببرد، که در غیر این صورت بی شک تهدیدی خواهد بود برای روند بازسازی دولت عراق، چشم اندازهای دموکراسی، و پیامدهای فرایند های سیاسی ای که در حال حاضر در عراق در جریانند، از جمله مسئله احیای استقلال ملی و پایان دادن به حضور نظامی خارجی. در صورتی که گزینه اول تحقق نیابد (مهلت اعلام و ارائه ائتلاف ها به کمیسیون انتخابات برای تأیید، همین جمعه ۲۸ اکتبر است) دو گزینه دیگر در برابر حزب ما قرار دارد که عبارتند از ائتلافی از گروه های چپ و دموکراتیک، یا شرکت مستقل حزب در انتخابات. یک عامل مهم در گزینش تاکتیک های انتخاباتی، نظام انتخاباتی جدیدی است که در انتخابات ۱۵ دسامبر امسال به کار گرفته خواهد شد. بر اساس نظام جدید، ۱۶ درصد کرسی های مجلس بر اساس سهمیه نسبی انتخاب می شوند (بر اساس فهرست های انتخاباتی احزاب یا ائتلاف ها - نظام انتخاباتی لیستی - که در آن همه در سطح کل عراق در مبارزه انتخاباتی شرکت می کنند)، و بقیه از استان هایی برگزیده می شوند که حوزه های انتخاباتی محسوب می شوند (که در آنها هر که بیشترین رأی را بیاورد، صرف نظر از درصد رأی به دست آورده، انتخاب می شود).

ادامه «جنبش به سوی سوسیالیسم» ...

اعمال کنند. رژیم بولیوی نوین، روی منابع طبیعی، جنگل ها و معادن و به ویژه در هزاره جدید روی ذخایر گازپایه گذاری خواهد شد. پس از ملی کردن ما به شرکائی نیاز داریم، نه زیر کنترل چند ملیتی ها بلکه با دولت های همانند کوبا و ونزوئلا. مساله کنونی در بولیوی اینست که قراردادهای موجود آن هائی هستند که ما را از حق مالکیت مان محروم می سازند. پس از این سه حالت برای بسط و گسترش صنعت ملی وجود دارد: با یاری شرکا، ایجاد قرضه ها، و یا از طریق انجمن ها و تعاونی ها. ما نیازمند مطالعات لازم برای انتخاب مناسب ترین طبقه هستیم.

س: اگر شما به عنوان رئیس جمهور انتخاب شوید، سیاست شما در قبال کشت برگ «کوکا» چه خواهد بود؟

خوان مورالس: در بولیوی برای موضوع مبارزه علیه قاچاق مواد مخدر مهم اینست که تولید برگ «کوکا» سهمیه بندی شود و ما امیدواریم ثابت کنیم که «کوکا» می تواند یک بازار قانونی را تصاحب کند. باید فراتر رفت و باید نشان داد که برگ «کوکا» یک ماده مخدر نیست. بلکه باید از طریق مبارزه و کوشش به منظور نشان دادن قابلیت صنعتی بودن آن، ارزیابی مجددی از «کوکا» به عمل آورد. کار دشواری نیست ولی باید پی برد که مصرف آن چرا در «کوکاکولا» قانونی است ولی برای منطقه سرخپوستی مصرف آن غیرقانونی است. این یک بی عدالتی است. «کوکا» قربانی دوگانگی شده است. بدیهی است که از لحاظ علمی اثربخشی آن لزومی به اثبات ندارد.

س: امسال و در جریان سال ۲۰۰۶ چندین مورد انتخابات ریاست جمهوری در آمریکای لاتین برگزار خواهد شد. تصور می کنید یک موضع گیری تازه چپ «لاتین آمریکائی» و شکل تازه ای از تفکر ممکن است؟

خوان مورالس: موضع گیری هم اکنون وجود دارد. نه فقط در جنبش های اجتماعی بلکه همچنین در میان احزابی که در جستجوی توازن و تعادل خویش هستند. چندین کشور، حتی اگر گرایش ضدامپریالیستی خود را اعلام نکنند، مخالف نئولیبرالیسم هستند. این گام مهمی است. من مطمئنم که سال آینده به همان شکلی که در نیکاراگوئه روی داد، چپ در کشورهای دیگر نیز انتخابات را خواهد برد. در بولیوی دشواری هائی وجود دارد. دگرگون کردن کشور بهائی دارد و بیرون آوردن احزاب از خردسالی بهائی دیگر. س: چه بهائی؟

خوان مورالس: دقیقاً تهدیدها و تحریکاتی که از طریق بنیادهایی مانند «دادگاه قانون اساسی» به عمل می آید. وقتی که رویارویی هست، گران ترین بها عبارتست از به باد دادن زندگی انسان ها. امروز این جنبش های اجتماعی نیستند که کشور را متشنج می کنند بلکه الیگارش هائی هستند که بدنال قدرت «خود مختار» هستند. با مردم بومی هم برای یک خودمختاری می رزمیم. اما خودمختاری بر مبنای همبستگی و تبادل که بر اساس تقسیم مجدد ثروت قرار دارد.

س: فکر می کنید که انتخابات را خواهید برد؟

خوان مورالس: این مربوط به من نیست بلکه مربوط به توده خلق است.

س: بعد از انتخابات در صدد ایجاد اتحاد ها خواهید بود؟ و آیا امکان دارد که قطب بندی ها شما را به سوی اتحاد با راست بکشاند؟ خوان مورالس: من نمی دانم که آیا یک قطب بندی خواهد بود. به نظر من چیزهائی وجود دارند که مدل اقتصادی حاضر را بره انداختند که کشور را به ویرانی کشاند اما اکنون نیروی مخالفی وجود دارد و آن نیروهای اجتماعی و «جنبش به سوی سوسیالیسم» هستند. ما می خواهیم کشور را به سوی دموکراسی هدایت کنیم.

مصاحبه با رفیق سلام علی سخنگوی رهبری حزب کمونیست عراق

صف بندی های جدید و رفراندوم قانون اساسی در عراق!

س: آیا سیاست خطر کردن آمریکا در مذاکرات پشت پرده برای افزودن ملحقاتی به قانون اساسی به نفع نیروهای عرب سنی پس از انتخابات را می توان عامل مهمی در این رویدادها دانست؟

سلام علی: فشار آمریکا بر ائتلاف حاکم - اتحاد اسلامی (گروه های اسلامی شیعه) و بلوک کردستان - از یک سو و از سوی دیگر بر گروه های به اصطلاح عرب سنی که در همه پرسی درباره پیش نویس قانون اساسی شرکت کردند، بی تردید به تهیه و تنظیم ملحقاتی نهایی درست پیش از همه پرسی کمک کرد. این ملحقاتی به نرم شدن موضع حزب اسلامی عراق (اخوان المسلمین میانه رو) و تغییر رأی آنها به «آری» کمک کرد، و در بین اردوگاه «نه» شکاف انداخت که شامل بعضی های سابق و و دیگرانی بود که با برچسب و ظاهر اسلامی فعالیت می کنند.

دولت آمریکا در کشاندن «عرب های سنی» (از جمله بعضی های شناخته شده ای که پشتیبانی شان را از به اصطلاح «مقاومت» پنهان نمی کنند) به فرایند تهیه پیش نویس اساسی، نقش مؤثری داشته است. روشن است که این اقدامات دولت آمریکا بخشی از تلاش آن برای توان بخشیدن به بعضی های سابق، ایجاد وزنه تعادلی در برابر گروه های شیعه اسلامی (که آنها را نزدیک به ایران می دانند)، و نیز امید داشتن به این است که بتوانند طوری بر فرایند تهیه و تصویب قانون تأثیر بگذارند که منافع خودشان تأمین شود.

س: نظر و تحلیل شما در مورد روند نتایج واقعی همه پرسی چیست؟ طبق گزارش رسانه ها، مردم در دو منطقه به طور کلی به پیش نویس قانون اساسی پیشنهادی رای «نه» داده اند. آیا این بدان معناست که شرکت گسترده تر رأی دهندگان سنی در یک منطقه سوم، ممکن است منجر به شکست قانون اساسی بشود؟

سلام علی: تاکنون دو استان انبار و صلاح الدین بر ضد پیش نویس قانون اساسی رأی داده اند (بیش از دو سوم آرا منفی بوده است). کمیسیون برگزار کننده همه پرسی هنوز در حال شمارش آرا در شش استان باقی مانده (از مجموع ۱۸ استان)، از جمله استان موصل

رفراندوم قانون اساسی دائمی عراق در روز ۲۳ مهرماه، در شرایطی، که اکثر مناطق جنوبی و مرکزی کشور در چنگال تروریسم کور و اشغال ارتش های بیگانه زخم های عمیقی را تحمل کرده است، برگزار شد. به گزارش خبرگزاری های جهان بیش از ۶۳ درصد از مردم عراق در این رفراندوم شرکت کردند و این به نوبه خود، در شرایطی که روزانه ده ها نفر از مردم بیگانه توسط بمب ها و شلیک تفنگ های مرگبار تروریست ها به قتل می رسند، نشان از عزم زحمتکشان عراق و نیروهای سیاسی میهن دوست و مردمی این کشور برای جا انداختن روند سیاسی، به عنوان تنها راه ممکن برای نجات عراق از موقعیت دشوار و بغرنج کنونی در شرایط موجود است. در انتخابات پارلمانی دوره گذار عراق، در بهمن ماه گذشته حدود ۵۸ درصد صاحبان آرا در انتخابات شرکت کردند. بسیاری از ناظران سیاسی معتقدند که پس از سی ماه جنگ و آتش و خون، نیروهای مخالف نظم جدید، که در رسانه ها عمدتاً به عنوان نیروهای عرب سنی معرفی می شوند، با درک اینکه اگر در روند سیاسی شرکت نکنند، امکان تأثیرگذاری بر روند تحولات را از دست خواهند داد. این بار از شرکت در رفراندوم حمایت کردند. این خود نشانه ای از این است که بر رغم کوشش رسانه های خبری در تصویر یک سیاهی مطلق در عراق که هیچ راهی برای برون رفت از آن جز ادامه حضور ارتش های اشغالگر و ادامه تروریسم خونریز و نابودگر وجود ندارد، در اساس مبارزه بغرنج سیاسی و پیچیده ای در عراق در جریان است، که گرچه پیشرفت آن کند است، ولی نمایشگر روی آوردن مردم بسوی مبارزه سیاسی برای تعیین سرنوشت کشور است. مبارزه ای که نتیجه آن برای حیات سیاسی عراق با اهمیت است.

رفیق سلام علی، عضو کمیته مرکزی و سخنگوی حزب کمونیست عراق اخیراً در این باره اظهار داشت: «اگر شما یکجانبه به اوضاع نگاه کنید، همه چیز سیاه و تیره و تار است، و ایالات متحده به هدف خود خواهد رسید.» اما چنین ارزیابی ای به باور او «نقشه سیاسی عراق را در نظر نمی گیرد». رفیق سخنگوی حزب برادر در ملاقاتی که اخیراً با نمایندگان کمیته مرکزی حزب مان داشت، به ابعاد گوناگون مبارزه هدفمند سیاسی نیروهای مردمی و مترقی عراق در جهت تأمین نقش مردم در تعیین مسیر آینده این کشور و رفع اشغال آمریکا از آن اشاره کرد. رفیق سلام علی متذکر شد که بسیاری از نیروهای جزم اندیش و افراطی از درک هدفمندی این کوشش ها و ثمربخشی آن در مبارزه دشوار مردم عراق عاجزند. در جریان این ملاقات موازنه نیروهای سیاسی در عراق و احتمال برخی صف بندی های ائتلافی جدید در انتخابات آتی مورد بحث و تبادل نظر قرار گرفت. رفیق سلام در روز ۲ آبان ماه در مصاحبه ای با «نامه مردم» به چندین سؤال در رابطه با رفراندوم اخیر و استراتژی مبارزاتی حزب برادر در ماه های آینده پاسخ داد.

س: آیا شرکت وسیع تر مردم در مناطق سنی نشین ناشی از وجود امنیت بیشتر در این مناطق است یا بازتاب تغییر نظر و نگرش نیروهای سنی به این سمت است که بهره جویی از این فرایند سیاسی ثمربخش خواهد بود؟

سلام علی: در مقایسه با انتخابات ژانویه گذشته، در این همه پرسی میزان شرکت مردم در سه استان انبار، موصل و صلاح الدین بیشتر بود. اگرچه همه پرسی تحت اقدامات امنیتی شدیدی برگزار شد، اما عامل اصلی در این مورد تغییر موضع نیروهای سیاسی ای بود که انتخابات گذشته را تحریم کرده بودند یا حتی در بست مخالف روش های سیاسی بودند (با این استدلال که مادامی که نیروهای خارجی / اشغالگر حضور دارند، شرکت در فرایند های سیاسی مردود است). این تصمیم سیاسی برای شرکت در همه پرسی، و دادن رأی «نه» به پیش نویس قانون اساسی، بر وضعیت امنیتی تأثیر گذاشت، که در مقایسه با انتخابات ژانویه گذشته در مناطق ذکر شده (و نیز در بغداد) بسیار آرام تر بود.

ادامه در صفحه ۷

کمک های مالی رسیده

جمع آوری شده در جشن سالگرد حزب
در سوئد ۱۴۰۰ کرون

لطفاً در مکاتبات خود با آدرس های زیر، از ذکر هر گونه نام اضافی خودداری کنید.

1-Postfach 100644, 10566 Berlin, Germany
2- B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK
3. <http://www.tudehpartyiran.org>

Nameh Mardom-NO 724
Central Organ of the Tudeh Party of Iran

25 October 2005

شماره فاکس و
تلفن پیام گیر ما
۰۰ - ۴۹ - ۳۰ - ۳۲۴۱۶۲۷

حساب بانکی ما:

IRAN e.V. نام
790020580 شماره حساب
10050000 کد بانک
Berliner Sparkasse بانک